فصلنامه علمی علوم حدیث
سال بیست و شش شماره ۳ (پیاپی ۱۰۱)
پاییز، ص ۱۳۴ ـ ۱۵۵

Ulumhadith
Twenty- sixth No 3
Autumn (Sep- Dec 2021)

جریان‌های حدیثی شیعهٔ کاشان در قرون پنجم و ششم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۹۹/۱۲/۱۴

محمد سلامی راوندی[۱]
محسن قاسم‌پور[۲]

چکیده

بررسی یک حوزهٔ حدیثی، کمک قابل توجهی به تبیین تاریخ تحولات حدیث یک منطقه می‌کند. معرفی عالمان حدیثی حوزهٔ کاشان در محدودهٔ قرون پنجم و ششم و بررسی کتب نگاشته‌شده توسط آنان، شناسایی اندیشه‌های حدیثی غالب بر این حوزه را در پی‌داشته و در نهایت تأثیر و تأثرات این حوزه را بر سیر حوزه‌ها مشخص خواهد کرد. این جستار ـ که با روش توصیفی تحلیلی سامان‌یافته ـ به این نتیجه رسیده که دو جریان شاخص در این قرون بر حوزهٔ حدیثی کاشان حاکم بوده است: اول، جریان فقه‌محور شامل راویانی با عنوان فقیه و قاضی که شخصیت ممتاز این جریان، قطب‌الدین راوندی است و در آثار او ارتباطات فراوانی بین حوزهٔ کاشان و حوزهٔ بغداد می‌توان یافت. دوم، جریان حدیثی-ادبی شامل محدثانی ادیب که شخصیت گمنام و برجستهٔ این جریان، سید ابوالرضا راوندی است که با در اختیارداشتن نسخه‌های اصیل از کتب شیعه و انتقال میراث حدیثی بغداد به کاشان، مسبّب حضور و رفت و آمد عالمانی بزرگ از سیر مراکز حدیثی، برای اقامت و تصحیح کتب حدیثی شیعه گردید.

کلیدواژه‌ها: کاشان، شیعه اثنی‌عشری، قرن پنجم و ششم، ابوالرضا راوندی، قطب راوندی، بغداد.

بیان مسأله

پژوهش درباره تحولات علمی و عصری احادیث و تأثیر آن بر جریان‌های حدیثی در

۱. دکترای علوم قرآن وحدیث دانشگاه کاشان (نویسندهٔ مسئول) (rahyafteh@gmail.com).
۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی (ghasempour@kashanu.ac.ir).

سرزمین‌های اسلامی همواره مورد توجه پژوهش‌گران بوده است. بر این اساس، آنچه که به عنوان مسألهٔ پژوهش حاضر می‌توان در نظر گرفت، چرایی برجستگی دو جریان مرتبط با حدیث در فاصلهٔ سده‌های پنجم و ششم هجری است؛ یکی جریان فقه‌محور و دیگری جریان حدیثی ـ ادبی و این‌که چگونه و چرا دو شخصیت برجستهٔ فقیه و محدث ادیب در این تحولات تأثیرگذار بوده‌اند.

ریشه‌ها و خاستگاه‌ها

از آنجایی که منطقهٔ کاشان از نخستین مناطق شیعه‌نشین ایران بوده و عالمان و محدثانی معروف در قرون اولیه از این منطقه برخاسته‌اند، اهمیت این بررسی دوچندان می‌شود. درباره تشیّع مردم این سامان دو نظریه مطرح است: نظریهٔ اول که تشیّع کاشان را مربوط به قرن سوم می‌داند و بیان می‌کند که در قرن اول و دوم هجری شخصیتی تأثیرگذار در تشیّع وجود نداشته تا تغییر مذهب مردمان این شهر را به او نسبت دهیم یا دست‌کم حضور او را سبب گرایش به این مذهب بدانیم[1] و نظریهٔ دوم که با تکیه بر حضور سلطان‌علی بن امام محمد باقرعليه‌السلام در قرن دوم در منطقهٔ اردهال،[2] از نواحی قم آن روزگار، ثابت می‌کند که مردم کاشان حداقل در قرن دوم، شیعه و طرفدار ائمه علیهم‌السلام بوده‌اند.[3] البته در قرون بعدی محدثان کاشانی‌الأصل معروفی همچون علی بن محمد بن شیرهٔ کاشانی[4] و ابراهیم بن شیبهٔ أسدی[5] در این حوزه بالیدند که بیان‌گر رشد و نمو این حوزهٔ حدیثی در این دوره است.

جریان‌های حوزهٔ کاشان در قرون پنجم و ششم

شواهد تاریخی، بر رونق حوزهٔ حدیثی کاشان در دو قرن پنجم و ششم دلالت دارد؛ گرچه با بررسی دقیق‌تر می‌توان قرن ششم را نقطهٔ اوج فعالیت حوزهٔ حدیثی کاشان، قطب حدیث نواحی مرکزی ایران، به شمار آورد. فهرست منتجب‌الدین، محدثان کاشانی‌الأصل و ساکن کاشان را در این دوره حدود سی نفر می‌داند که البته اطلاعات ارائه‌شده در این کتاب بسیار

۱. کاشان در مسیر تشیع، ص۹۶ با اندکی تلخیص.
۲. این عبارت غلط مشهور است و در منابع کهن نام صحیح این منطقه، اردهار است (ر.ک: تاریخ اصبهان، ج۱، ص۵۳) و در تاریخ قم در ص۱۷۷، ۱۷۹، ۲۷۲، ۲۷۷و ۳۴۹ و... ذکر شده است.
۳. ر.ک: شرح زندگی و شهادت حضرت سلطان‌علی بن امام محمد باقرعليه‌السلام، ص۲۳ به بعد.
۴. رجال الطوسی، ص۳۸۸؛ رجال النجاشی، ص۲۵۵.
۵. رجال الطوسی، ص۳۷۳و ۳۸۴.

اندک است. منبع دیگر، دیوان شعر سیدأبوالرضا راوندی است که ضمن اشعار و به مناسبت مدح و تمجید افراد، اطلاعاتی از اوضاع کاشان در آن دوره و برخی از قضات و خاندان‌های کاشانی بیان کرده است. اجازات حدیثی نیز منبع دیگری برای دست‌یابی به اطلاعات حدیثی در این دوره است که با بررسی اجمالی این اجازات، رونق این حوزهٔ حدیثی در قرن ششم اثبات می‌شود.

۱. جریان فقه‌محور

از موضوعاتی که در حوزهٔ حدیثی کاشان در این دو قرن رونق بسیاری داشته، فقه است. از دلایل رونق این موضوع می‌توان به پیش‌کسوتی برخی از محدثان کاشان در قرون اولیه در موضوع فقه دانست؛ افرادی همچون علی بن محمد بن شیرهٔ کاشانی (۲۰۰ ـ ۲۷۰) که نجاشی او را صاحب کتابی جامع و بزرگ در فقه می‌داند.[۱] روایات فقهی فراوانی از ابن‌شیره در المحاسن،[۲] الکافی[۳] و تهذیب الأحکام[۴] وجود دارد. مکاتبات ابن شیره نیز او را نه به عنوان یک فقیه و عالم خانه‌نشین، بلکه فقیهی که در متن جامعه حضور داشته و مرجعی برای سؤالات مردم بوده، معرفی می‌کند.[۵]

اهمیت به فقه در قرون بعد نیز در کاشان دنبال شد؛ به طوری که در قرن پنجم و ششم، راویان متعددی در حوزهٔ فقهی بالیدند که منتجب‌الدین برخی از این فقها را با توصیف «فقیه» در الفهرست خود معرفی کرده است؛[۶] برای نمونه می‌توان به پادشاه بن محمد علوی حسنی راوندی،[۷] رضی‌الدین أبوالنعیم بن محمد بن محمد القاشانی،[۸] أبوطاهر علی بن أبی‌سعد بن علی القاشانی،[۹] علی بن محمد الوهقی قریب بن الولید،[۱۰] أفضل‌الدین الحسن

۱. رجال النجاشی، ص۲۵۶.
۲. المحاسن، ج۱، ص۲۷۴؛ ج۲، ص۳۲۷ و ۵۲۸.
۳. الکافی، ج۳، ص۱۹۷ و ۲۰۹و ۲۸۴و ۳۲۶و ۳۴۴و ۴۳۰؛ ج۴، ص ۲۹۰و ۵۴۳؛ ج۵، ص۹و ۴۴و ۱۵۱و ۳۰۸و۵۶۲و....
۴. تهذیب الأحکام، ج۲، ص۳۱۷؛ ج۴، ص۱۸۳؛ ج ۶، ص۱۴۲و ۱۴۴و ۱۴۶و ۱۵۱و ۱۵۳و ۲۶۲و ۲۹۴و۳۱۴؛ ج ۷، ص۴۳۳؛ ج۸، ص۳۱۶؛ ج ۱۰، ص۶۳ و ۸۱
۵. الکافی، ج۱، ص۱۰۲؛ ج۵، ص۳۱۴؛ تهذیب الأحکام، ج۴، ص۱۵۹و ص۲۴۳.
۶. شایان ذکر است که برخی از این افراد در علوم دیگری همچون ادبیات و حدیث نیز متخصص بوده‌اند.
۷. الفهرست (رازی)، ص۹۶، ش۳۳۳.
۸. همان، ص۱۲۸، ش۵۲۰.
۹. همان، ص۸۳، ش۲۵۳.
۱۰. همان، ص۸۶، ش۲۷۴.

بن علی بن أحمد المهابادی،[1] شمس‌الدین علی بن محمد الوِشنوی[2] (ساکن کاشان)،[3] تاج‌الدین محمد بن محمد معروف به «شُوشُو»[4] (ساکن کاشان)[5] و أبومحمد حسن بن حسین بن علی دوریستی (ساکن کاشان)[6] اشاره کرد.

همسو با جریان فقه‌محور و ظهور عملی این جریان در متن جامعه، راویانی هستند که با عنوان قاضی در این دو قرن در کاشان وجود داشته‌اند. کثرت این افراد، دال بر رونق این جریان در حوزهٔ کاشان آن زمان و نشان‌گر کثرت شیعیان و گسترده‌بودن جامعهٔ ایشان است. از جملهٔ این افراد می‌توان به خاندان قریب اشاره کرد که دورهٔ فعالیت آن‌ها در حدود ۵۳۵ ـ ۵۶۰ هجری بوده است.[7] در رأس این خاندان، حسن (حسین) بن محمد، ملقّب به سدیدالدین و مکنّی به أبومحمد القریب از قاضیان منطقهٔ راوندِ کاشان،[8] فرزند او قاضی جمال‌الدین محمد بن حسین بن محمد بن قریب معروف به ابن‌القریب[9] و جمال‌الدین بن قریب که با عنوان قاضی‌القضاةِ کاشان یاده شده است.[10]

دیگر خاندان مشهور امامی قرن ششم ـ که اکثر ایشان سمت قضاوت را در کاشان بر عهده داشتند ـ خاندان طوسی است. همان طور که از عنوان این خاندان پیداست، اصالتاً اهل طوس بوده‌اند و در تاریخ مشخص نشده که چرا به کاشان مهاجرت کرده‌اند.[11] در رأس خاندان قاضی طوسی، أبوعلی عبدالجبّار بن محمد بن حسین طوسی (م ۵۲۹ هجری) است

---

۱. همان، ص ۵۱، ش ۹۳.

۲. وِشنوی، منسوب به «وشنوة»، یکی از روستاهای قم است (أعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۸۱).

۳. الفهرست (رازی)، ص ۹۱، ش ۳۰۵.

۴. شُؤْشُؤْ بالضم دُعاءٌ للغَنَمِ لتَأْكُلَ أَو تَشرَبَ؛ خواندن گوسفند برای خوردن علف یا نوشیدن آب را گویند (تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، ص ۱۷۹).

۵. الفهرست (رازی)، ص ۱۲۱، ش ۴۷۶.

۶. همان، ص ۵۱، ش ۹۶.

۷. مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پای‌گیری مکتب حله، ص ۱۶۳.

۸. الفهرست (رازی)، ص ۵۱، ش ۹۵.

۹. همان، ص ۱۱۵، ش ۴۳۷.

۱۰. تاریخ الوزراء، ص ۲۱۰.

۱۱. به نظر می‌رسد به دلیل جایگاه والای کاشان در ایرانِ آن روزگار، به این شهر مهاجرت کرده و سمت قضاوت را در این شهر عهده‌دار گشتند. همچنین به احتمال زیاد شرایط بسیار مناسبی برای شیعیان در آن زمان در کاشان فراهم بوده که این افراد به صورت خانوادگی و نه فردی به این شهر مهاجرت کرده‌اند. همچنین محتمل است مرکزیت شهر ری در آن روزگار و ارتباط خاندان‌هایی از راوند با آن شهر، علت مهاجرت جمعی این خاندان از طوس به شهر ری و در ادامه به کاشان باشد. با توجه به ارتباط دوستانهٔ سید ابوالرضا با این خاندان و مرجعیت سید ابوالرضا در کاشان دور نیست که این خاندان به دعوت همو به صورت خانوادگی به کاشان مهاجرت کرده باشند.

که قزوینی رازی از او با عنوان «قاضی أبوعلی طوسی» نام برده است.[1] از دیگر افراد این خاندان می‌توان به شهاب‌الدین أبوالحسن محمّد بن عبدالجبّار طوسی، فرزند أرشد أبوعلی طوسی،[2] قاضی جمال‌الدین علی بن عبدالجبّار بن محمد طوسی، فرزند دوم عبدالجبّار،[3] أحمد بن علی بن عبدالجبّار طوسی،[4] قاضی رکن‌الدین عبدالجبّار بن علی بن عبدالجبّار طوسی،[5] قاضی تاج‌الدین محمد بن علی بن عبدالجبّار طوسی،[6] قاضی خطیرالدین أبومنصور حسین بن عبدالجبّار طوسی، فرزند سوم عبدالجبّار،[7] قاضی زین‌الدین أبوعلی عبدالجبّار بن حسین بن عبدالجبّار طوسی[8] و قاضی شرف‌الدین محمد بن حسین بن عبدالجبّار طوسی[9] اشاره کرد.

انتقال میراث فقهی بغداد به کاشان

جریان فقه‌محور در انتقال میراث فقهی بغداد به کاشان و سیر مناطق نقش داشته است. برای نمونه می‌توان به أبومحمد حسن بن حسین بن علی دوریستی، ساکن کاشان اشاره کرد که أفندی اجازهٔ او را که به خط خودش برای شاگردش شیخ ابوالحسین علی بن حسین وارانی بر پشت مجلد اول کتاب المبسوط شیخ طوسی مرقوم‌داشته، در تاریخ ۵۸۴ هجری، دیده است. بر طبق این اجازه او کتاب المبسوط شیخ طوسی را به واسطهٔ پدر منتجب‌الدین از پدرش از شیخ طوسی روایت می‌کند.[10]

شخصیت ممتاز این جریان، بی‌شک قطب‌الدین راوندی است که متعلّق به حوزهٔ

۱. نقض، ص۴۱.
۲. همان، ص۱۹۳ ـ ۱۹۴.
۳. الفهرست (رازی)، ص۸۳، ش۲۵۴. علی بن عبدالجبّار در روایت برخی از آثار پیشینیان نقش مهمّی ایفا کرده است؛ از جمله در روایت کتاب النهایة شیخ طوسی(بحار الأنوار، ج۱۰۴، ص۴۷) تمامی مصنّفات سلار بن عبدالعزیز دیلمی(همان، ج۱۰۴، ص۷۱) و مصنّفات قطب راوندی و سید أبوالرضا راوندی (همان، ج۱۰۵، ص۱۶۲) نقش ویژه‌ای داشته است.
۴. همان، ج۱۰۴، ص۸۳. أحمد بن علی طوسی در روایت و نشر تمامی آثار قطب‌الدین راوندی، اهتمامی ویژه داشته است.
۵. الفهرست (رازی)، ص۹۰، ش۲۹۸.
۶. همان، ص۱۱۴، ش۴۳۱.
۷. همان، ص۵۱، ش۹۲.
۸. همان، ص۸۳، ش۲۵۵.
۹. همان، ص۱۱۵، ش۴۳۵.
۱۰. دوریستی کتاب المبسوط شیخ طوسی را از شیخ‌الرئیس عبیدالله بن حسن بن حسین بن بابویه، از پدرش، از شیخ طوسی مصنف کتاب روایت کرده است. شیخ الرئیس همان عبیدالله یاد شده است که پدر شیخ منتجب‌الدین مؤلف الفهرست است. پس دوریستی در درجه شیخ منتجب‌الدین است (ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج۱، ص۱۷۹ ـ ۱۸۰).

حدیثی کاشان است. قطب‌الدین راوندی در انتقال آثار فقهی عالمانی همچون شیخ طوسی به کاشان و ایران نقش‌داشته است. آن گونه که از اجازات حدیثی قابل برداشت است، قدیمی‌ترین نسخهٔ الاستبصار شیخ طوسی با اجازهٔ قطب‌الدین راوندی موجود است.[1] این نسخهٔ الاستبصار دو جلدی است. جلد اول این نسخه را ابوجعفر نازویه قمی در سال ۵۷۰ هجری کتابت و بر قطب راوندی قرائت کرده است. حیدر بن ابوالفضل بن حسن المهیمن القاسانی در ماه رجب سال ۵۶۹ هجری جلد دوم این نسخه را کتابت کرده است.[2] توجه به مطلب فوق ثابت می‌کند که قطب در زمان خود آن‌قدر شناخته‌شده و معروف بوده که محدثان دیگر حوزه‌های حدیثی برای تصحیح نسخ خطی خود به او مراجعه می‌کردند.

قطب‌الدین صاحب کتب متعددی در زمینه فقه است. آثار فقهی او بر اساس اطلاعات موجود در منابع عبارت‌اند از: إحکام الأحکام،[3] الإنجاز فی شرح الإیجاز،[4] بیان الإنفرادات،[5] المغنی فی شرح النهایة،[6] شرح ما یجوز و ما لا یجوز من النهایة،[7] مشکل النهایة،[8] غریب النهایة،[9] نهایة النهایة،[10] النیات فی جمیع العبادات،[11] المستقصی فی الذریعة،[12] مسئلة فی

۱. تا مدت‌ها تصور می‌شد که نسخهٔ الاستبصار کتابخانهٔ شیخ هادی آل کاشف الغطاء در نجف اشرف به تاریخ ذی‌القعده سال ۵۷۳ هجری، قدیمی‌ترین نسخهٔ این کتاب است؛ در حالی که نسخهٔ فوق‌الذکر قدیمی‌تر است. نسخهٔ مذکور در کتابخانه آیت الله مرعشی به شمارهٔ ۱۳۶۷۸ و ۱۳۶۷۹ موجود است.

۲. «صفحة مشرقة عن تاریخ السماع و القرائة و الاجازة عند الامامیة (نسخة نهج‌البلاغة بروایة السید الراوندی أنموذجا)»، ص ۹۲ ـ ۹۳.

۳. الفهرست (رازی)، ص ۶۸، ش ۱۸۶؛ الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۲۹۱.

۴. این کتاب شرح الإیجاز فی الفرائض شیخ طوسی است که نسخهٔ خطی آن ضمن مجموعه‌ای از قرن دهم در کتابخانهٔ عمومی أمیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف أشرف موجود است («نهج البلاغه عبر القرون (۷)»، ص ۲۷۱).

۵. الفهرست (رازی)، ص ۶۸، ش ۱۸۶؛ الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۳، ص ۱۷۶.

۶. الفهرست (رازی)، ص ۶۸، ش ۱۸۶. منتجب‌الدین آن را ده مجلد می‌داند کتابی تقریباً به بزرگی مجمع البیان. این کتاب تا قرن هشتم موجود بوده؛ زیرا شهید اول در کتاب البیان در بحث سجده مطلبی از آن نقل می‌کند (البیان، ص ۱۷۳).

۷. الفهرست (رازی)، ص ۶۸، ش ۱۸۶.

۸. در منابع اسامی مشکلات النهایة یا شرح مشکلات النهایة نیز برای این کتاب ذکر شده است (ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۴۲۳ ـ ۴۲۴؛ الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۱۴، ص ۶۶). این کتاب تا قرن هشتم موجود بوده؛ زیرا علامه حلی در مختلف الشیعهٔ خود در بحث نکاح از این کتاب نقل کرده است (مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة، ج ۷، ص ۱۶۸).

۹. الفهرست (رازی)، ص ۶۸، ش ۱۸۶؛ الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۵۰. به نظر می‌رسد این کتاب در شرح لغات مشکل فقهی کتاب النهایة شیخ طوسی باشد.

۱۰. الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۳۱.

۱۱. الفهرست (رازی)، ص ۶۸، ش ۱۸۶.

۱۲. همان. شرحی بر الذریعهٔ سید مرتضی در سه مجلد در علم اصول فقه است.

الخمس،[1] مسئلة الأخرى فى الخمس،[2] مسئلة فى صلاة الآيات،[3] مسئلة فى العقيقة،[4] مسئلة فى فرض من حضر الأداء و عليه القضاء،[5] شجار العصابة فى غسل الجنابة،[6] المسئلة الكافية (الشافية) فى الغسلة الثانية،[7] شرح آيات الأحكام،[8] الرائع فى الشرائع[9] و حل المعقود من الجمل و العقود.[10]

شایان ذکر است که از میان آثار فقهی قطب، تنها جزوه‌ای با عنوان سؤال و جواب فقهی و کتاب فقه‌القرآن وی امروزه موجود است. گرچه اکثر کتب فقهی قطب امروزه مفقود است، ولی منقولات آن در کتب فقهای قرن هفتم تا نهم قابل بازیابی است. علت اقبال به نظریات قطب، شاید بدین دلیل باشد که او شارح آثار فقهای بزرگی چون شیخ طوسی است؛ به طوری که تنها پنج عنوان از کتب فقهی او بر مدار کتاب النهایة شیخ طوسی است.[11]

جایگاه فقهی قطب راوندی در میان فقهای متأخر از خود، آن قدر والاست که علاوه بر نقل منقولات وی در کتب متأخرین، نظریات فقهی او در برخی موارد بر نظریات فقهای برجسته ترجیح داده شده است؛ به عنوان نمونه قطب، خون سگ، خوک و کافر را به دماء ثلاثه ملحق می‌کند؛ در حالی که ابن‌ادریس حلی با این مطلب مخالف است و شاهد مخالفت خود را

۱. همان، ص۶۹، ش۱۸۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان. در الذریعة کتابی با عنوان رسالة فی الصلاة الحاضرة لمن علیه الفائتة جزء آثار قطب ذکرشده که به نظر می‌رسد با کتاب مورد بحث یکی باشد (الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج۱۵، ص۸۲).

۶. الفهرست (رازی)، ص۶۹، ش۱۸۶.

۷. همان؛ الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج۱۳، ص۱۲.

۸. الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج۱، ص۴۱ ـ ۴۲. این کتاب ظاهراً غیر از فقه القرآن قطب است؛ همچنان که در أمل الآمل به این مطلب تصریح شده است، ولی افندی این کتاب را همان فقه القرآن می‌داند.

۹. گرچه این کتاب امروزه مفقود است، ولی شواهدی وجود دارد که تا زمان شهید اول نیز موجود بوده است. فاضل آبی در کشف الرموز، علامه حلی در المختلف و شهید اول در الذکری مطالبی از این کتاب نقل کرده‌اند. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، ر.ک: کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ج۱، ص۴۰، ۱۷۱، ۱۷۲و...؛ مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة، ج۲، ص۲۱۹؛ ج۳، ص۸۱؛ ذکری الشیعة فی أحکام الشریعة، ج۲، ص۲۳۵؛ ج۳، ص۴۲۱.

۱۰. الفهرست (رازی)، ص۶۸، ش۱۸۶. برخی عنوان این کتاب را حل العقود فی الجمل و العقود ذکر کرده‌اند (أعیان الشیعة، ج۷، ص) ۲۶۰. از عنوان مشخص است که این کتاب، شرح کتاب الجمل والعقود شیخ طوسی است.

۱۱. اسامی کتب مذکور بدین شرح است: المغنی فی شرح النهایة، شرح ما یجوز و ما لا یجوز من النهایة، مشکل النهایة، غریب النهایة و نهایة النهایة.

ادعای اجماع امامیه در این موضوع ذکر می‌کند، ولی علامه حلی قول قطب‌الدین راوندی را برمی‌گزیند.[1] نمونهٔ دیگر در باب مسئلهٔ عبد مکاتب، فاضل آبی قول راوندی را به صواب نزدیک‌تر می‌داند.[2] از جمله افرادی که نظریات فقهی قطب راوندی را در کتب خود مطرح کرده‌اند، می‌توان به ابن‌ادریس حلی در السرائر،[3] ابن‌طاووس حلی در الإقبال،[4] فاضل آبی در کشف الرموز،[5] محقق حلی در المعتبر،[6] علامه حلی در مختلف الشیعه[7] و شهید اول در غایة المراد[8] اشاره کرد.

۲. جریان حدیثی ـ ادبی با تکیه بر نقش سید ابوالرضا راوندی

جریان دیگری که در قرن پنجم و ششم در حوزهٔ حدیثی کاشان رونق فراوانی داشت، جریانی است با رویکرد حدیثی ـ ادبی. نمی‌توان از جنبه‌های گونه‌گون این جریان حدیثی ـ ادبی سخن به میان آورد و از نقش سترگ و تأثیرگذار شخصیت کم‌نظیر این دوره، یعنی سید ابوالرضا راوندی سخن نگفت.

کاشان در این دوره، شهری ادیب‌پرور بوده و ادیبان کاشانی در دستگاه حکومت سلجوقیان نفوذ چشم‌گیری داشته‌اند.[9] تأیید دیگری بر این مطلب، راویان متعدد با وصف «ادیب» در الفهرست منتجب‌الدین مرتبط با این حوزه است؛ برای نمونه می‌توان به أبوالعلاء زید بن علی بن منصور راوندی،[10] الشیخ الأدیب محمد بن محمد أیوب المفید القاشانی،[11] أحمد بن علی مهابادی،[12] حسن بن علی بن أحمد مهابادی،[13] جمال‌الدین أبوسعد بن

۱. مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة، ج ۱، ص ۴۷۶.
۲. کشف الرموز، ج ۲، ص ۳۰۷.
۳. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ج ۲، ص ۷۳۱.
۴. الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۵۸.
۵. کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ج ۱، ص ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۳۷، ۲۵۴، ۳۲۱، ۳۸۷، ۴۶۳، ۵۰۷ و....
۶. المعتبر فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۷۴، ۲۵۷، ۴۳۵، ۴۴۶؛ ج ۲، ص ۸۹.
۷. مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة، ج ۱، ص ۴۷۶، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۵؛ ج ۲، ص ۲۱۹، ۲۶۳ و....
۸. غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، ج ۱، ص ۳۷، ۸۳، ۱۰۰؛ ج ۳، ص ۵۱۸؛ ج ۴، ص ۱۸۶ و....
۹. راحة الصدور و آیة السرور، ص ۵۱.
۱۰. الأربعون حدیثا، ص ۲۲.
۱۱. الفهرست (رازی)، ص ۱۲۲، ش ۴۸۰.
۱۲. همان، ص ۳۵، ش ۱۴.
۱۳. همان، ص ۵۱، ش ۹۳.

فرخان،[1] موفق‌الدین علی بن أبی‌علی بن زیادة الأحنفی،[2] حسن (حسین) بن محمد، ملقّب به سدیدالدین و مکنّی به أبومحمد القریب،[3] جمال‌الدین محمد بن حسین بن محمد بن قریب معروف به ابن‌القریب[4] و تاج‌الدین علی فرزند عبدالله بن أحمد بن حمزة الجعفری[5] اشاره کرد.

محور مهم این جریان، بی‌شک سید أبوالرضا راوندی است که خدمات فراوانی به تشیّع و محدثان در قرن ششم ارائه کرده است. گرچه سید ابوالرضا راوندی در نقل تمامی آثار شیخ طوسی نقش مؤثرداشته[6] و در نقل کتاب رجال النجاشی با واسطهٔ أبوصمصام ذوالفقار بن معبد حسنی(راوی اصلی کتاب رجال نجاشی) نقش داشته،[7] ولی خدمت منحصر به فرد سید ابوالرضا به تشیّع، روایت میراث حدیثی گذشتگان و انتقال آن به آیندگان است تا آنجا که وی به عنوان پل ارتباطی برای انتقال این میراث به آیندگان تلقی می‌گردد. گاهی او به عنوان تقویت‌کنندهٔ اسناد انتقال این میراث به آیندگان و در برخی موارد او راویِ منحصر به فرد این میراث است که می‌توان گفت به احتمال بسیار زیاد اگر او نبود، اکنون این میراث به دست ما نمی‌رسید. سید ابوالرضا راوندی برای روایت و انتقال این میراث، همانگونه که سنت محدثان و عالمان بزرگ همچون شیخ صدوق بوده، مسافرت‌های متعددی کرده است. اسامی مکان‌هایی که سید ابوالرضا برای املا و سماع احادیث سفرکرده، بدین شرح است: قم، اصفهان، ری،[8] نیشابور، بیهق، بغداد، مکه، مدینه، کربلاء، نجف، خراسان،[9] قومس(دامغان)، قزوین، آبه(آوه)، ساوه، ابهر، حلّه، فیحاء، زنجان، شیراز و...[10] برخی از خدمات سید ابوالرضا بدین شرح است:

---

۱. همان، ص۶۹، ش۱۸۸. نام کامل این شخص، علی بن مسعود بن محمد بن فرخان است (دیوان راوندی، ص۱۳۸). از این‌که منتجب‌الدین به ذکر کنیهٔ او اکتفا کرده و نام او را در حرف «سین» از کتاب خود آورده، معلوم می‌شود که نام اصلی وی را که «علی» بوده، نمی‌دانسته است.

۲. الفهرست(رازی)، ص۸۷، ش ۲۸۰.

۳. همان، ص۵۱، ش۹۵.

۴. همان، ص۱۱۵، ش۴۳۷.

۵. همان، ص۸۰، ش۲۴۰.

۶. مناقب آل أبی طالب، ج۱، ص۱۱.

۷. بحار الأنوار، ج۱۰۴، ص۹۵.

۸. دیوان راوندی، ص۱۹۳.

۹. بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج۵، ص۲۴۰۵.

۱۰. موسوعة العلامة المرعشی، ج۱، ص۲۷۵ ـ ۲۷۶.

الف) شرح، تصحیح و اجازهٔ میراث حدیثی بغداد در کاشان

یکی از خدمات سید ابوالرضا راوندی، شرح و تصحیح میراث حدیثی است تا آنجا که او کاشان را به محل آمد و شد محدثان حوزه‌های حدیثی، برای تصحیح کتب حدیثی شیعه تبدیل کرده است. محدث نوری، سید ابوالرضا را از مشایخ بزرگی می‌داند که اکثر اسانید اجازات به او منتهی می‌شود.[1]

براساس اطلاعات نسخ خطی، نسخه‌هایی از آثار کهن شیعه با اجازهٔ سید ابوالرضا راوندی موجود است که او این آثار را در سفری که در سال ۵۱۱ هجری به بغداد نموده، دریافت کرده است.[2] از جملهٔ این آثار می‌توان به الامالی سید مرتضی، شرح نهج البلاغه، خصائص الأئمة و تلخیص البیان سید رضی، رسالهٔ اهوازیه، کتاب من لایحضر الفقیه و الامالی شیخ صدوق اشاره کرد. در ادامه اطلاعاتی درباره این کتب ارائه می‌کنیم:

۱. الحاشیة علی أمالی المرتضی

سید أبوالرضا تعلیقات زیادی برکتاب غُرر و دُرر نوشته که أفندی آن‌ها را با خط خودش، برپشت نسخه‌ای که برای شاگردش سید ناصرالدین أبوالمعالی محمد اجازه داده، دیده‌است.[3]

همچنین حسین بن أبی‌عبدالله بن ابراهیم خومجانی، نسخه‌ای نفیس از الامالی سید مرتضی را ـ که در سال ۵۶۷ هجری کتابت‌شده ـ درتملّک داشته که اکنون به شمارهٔ ۱۴۵ درکتابخانهٔ اسکوریال موجود است و اساس تصحیح الامالی سید مرتضی توسط محمد ابوالفضل ابراهیم بوده است. خومجانی نسخه را نزد سید ابوالرضا راوندی خوانده و از وی در سال ۵۶۸ هجری اجازهٔ روایت آن را دریافت کرده است. سید ابوالرضا کتاب امالی را به روایت استادش ابن‌اخوة بغدادی از ابوغانم عصمی از سید مرتضی روایت کرده است.[4]

۲. شرح نهج البلاغه

یکی از مهم‌ترین آثار سید أبوالرضا راوندی، شرح نهج البلاغهٔ أمیرالمومنین است. این شرح غیر از شرح نهج البلاغهٔ قطب‌الدین راوندی است و مجلسی در بحار الأنوار هر دو راوندی را صاحب شرح

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، الخاتمة، ج۱، ص۱۷۴.
۲. ذیل شرح نهج البلاغهٔ سید ابوالرضا راوندی این مطلب به طور مبسوط بیان خواهد شد.
۳. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج۴، ص۳۷۱.
۴. «اهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعهٔ تاریخ تشیع»، شمارهٔ ۸۴ و ۸۵، پاورقی ص ۱۶۰.

نهـج البلاغـه می‌داند.[1] سید عبدالعزیز طباطبایی معتقد است که سید أبوالرضـا را می‌توان اولین شارح نهج البلاغه قلمداد کرد؛ زیرا دیگرانی که در زمرۀ اولین شارحان نهـج البلاغـه معرفی شده‌اند، بعدها شرح خود را تکمیل کرده‌اند. سید أبوالرضا در سفر علمی خود از کاشان به بغداد در نوجوانی و برای طلب علم، به نسخۀ اصل نهـج البلاغـه به خط سید رضی، دست‌یافته و در ربیع‌الأول سال ۵۱۱ هجری برای خود استنساخ کرده، تعلیقاتی برآن نگاشته و کلمات غریب آن را تفسیر و جملات مبهم آن را توضیح داده است.[2]

برخی از بزرگان به نسخۀ شرح نهج البلاغۀ راوندی به خطّ خود مؤلف دسترسی داشته‌اند. محمد نازویه قمی از افرادی است که در کاشان حضوریافته و نسخۀ نهـج البلاغـۀ سید ابوالرضا را از طریق سماع از او دریافت کرده است. توضیح مطلب آن‌که نسخۀ بسیار قدیمی از نهج البلاغه در کتابخانۀ «المتحف العراقی» به خط محمد بن حسن بن نازویه قمی به تاریخ ۵۵۶ هجری موجود است.[3] ناسخ، این نسخه را با نسخۀ علی بن زید أبوالقاسم بیهقی (ابن فندق) مقابله کرده است. محمد نازویه قمی در نیمۀ شوال سال ۵۶۸ هجری این نسخه را بر قطب راوندی نیز قرائت کرده است.[4] همو، همچنین این نسخه را با نسخۀ سید ابوالرضا راوندی، با درج تمامی حواشی نسخۀ ابوالرضا در نسخۀ خود، در ربیع الاول سال ۵۷۱ هجری در کاشان مقابله و در مدت ۲۲ روز (از ابتدای ربیع الاول ۵۷۱ تا ۲۲ همان ماه) بر سید ابوالرضا راوندی قرائت کرده است. سید ابوالرضا در ربیع الثانی همان سال (۵۷۱ هجری) به وی اجازۀ روایت این نسخه را داده است.[5]

به علاوه، نسخه‌ای کهن از نهج البلاغـه در کتابخانۀ رضا در شهر رامپور به شـمارۀ ۱۱۹۰

---

۱. بحار الأنوار، ج۱۰۷، ص۱۶۸.

۲. «فی رحاب نهج البلاغه(۵)؛ نهج البلاغه عبر القرون»، ص ۱۶۰. این مطلب در آخر نسخه‌ای از کتاب نهـج البلاغـه نگاشتۀ محمدرضا تستری در ربیع الثانی سال ۱۰۵۹ هجری آمده است. او این مطلب را از نسخه‌ای در قرن ششم به خط علی بن محمد المتطبب قمی، از شاگردان سید ابوالرضـا و صاحب اجازه از وی، نقل می‌کند. همین مطلب در نسخۀ أبوالفتوح أحمد بن أبوعبدالله بلکو بن أبوطالب الآبی، شاگرد علامه حلّی نیز موجود است. او نیز نسخه‌ای از شرح نهج البلاغه ابوالرضا راوندی را استنساخ کرده که در پایان آن به همین مطلب تصریح شده است. از نسخۀ او نیز، محمدصادق بن محمد شفیع یزدی در سال ۱۱۳۲هجری استنساخ کرده که اکنون در کتابخانۀ آیت الله مرعشی به شمارۀ ۲۷۳ موجود است (ر. ک: «صفحة مشرقة عن تاریخ السماع و القرائة و الاجازة عند الامامیة (نسخة نهج‌البلاغة بروایة السید الراوندی أنموذجا)»، پاورقی ص ۱۳۲ ـ ۱۳۱).

۳. «صفحة مشرقة عن تاریخ السماع و القرائة و الاجازة عند الامامیة (نسخة نهج‌البلاغة بروایة السید الراوندی أنموذجا)»، ص۷۹.

۴. همان، ص ۸۱.

۵. همان، ص ۸۲.

موجود است که در ۵۵۳ هجری توسط عبدالجبار بن حسین بن أبی‌القاسم حاجی فراهانی، زمانی که سید ابوالرضا راوندی برای استراحت به روستای جوشقان رفته، از روی نسخهٔ وی کتابت‌شده؛ جزآن‌که در این نسخه، کاتب اشاره‌ای به این‌که نسخهٔ اساس کتابت او نسخهٔ نهج البلاغهٔ همراه ابوالرضا بوده، در چه سالی یا از روی کدام نسخه کتابت‌شده، نکرده، اما نسخهٔ اساس کتابت، باید همان نسخه‌ای باشد که ابوالرضا در سال ۵۱۱ هجری در بغداد از روی نسخهٔ اصل کتابت کرده است.[۱]

همچنین جمال‌الدین علی بن محمد القمی المتطبب،[۲] از شاگردان سیدابوالرضا، شرح نهج البلاغه راوندی را با اجازه از او روایت می‌کند، ولی نسخهٔ خود را پس از وفات سید ابوالرضا در سال ۵۸۹ هجری بر فرزند او، عزالدین مرتضی علی بن فضل الله راوندی، قرائت می‌کند.[۳]

دقت در مطالب فوق می‌رساند که افرادی همچون محمد نازویه قمی به مقابلهٔ نسخهٔ نهج البلاغهٔ خود نزد بزرگانی از حوزه‌های مهم حدیثی آن روزگار، چون نیشابور و ری، بسنده نکرده و به کاشان سفر می‌کنند تا از نسخهٔ این محدث کاشانی نیز بهرهٔ وافی ببرند. این مطلب بیان‌گر اهمیت این نسخهٔ نهج البلاغه، نزد محدثان بزرگ آن دوره است.

اعقاب ابوالرضا راوندی باید نسخهٔ اخیر و کتابخانهٔ او را در اختیار داشته باشند و مشخصاً نوهٔ دختری او، یعنی حسن بن محمد بن عبدالله بن علی جعفری حسینی در ۶۳۱ هجری از کتابت نسخه‌ای از نهج البلاغه فراغت حاصل کرده که علی القاعده و به احتمال بسیار باید کتابتی از همان نسخهٔ جدش ابوالرضا راوندی باشد.[۴]

شرح نهج البلاغهٔ سید ابوالرضا تا قرن هشتم نیز موجود بوده و ابن‌عتائقی حلی (متوفای بعد از ۷۸۸ هجری) در شرح خود بر نهج البلاغه از آن استفاده کرده است.[۵]

۳. خصائص الائمة

قدیمی‌ترین نسخهٔ خطی موجود از خصائص الائمة سید رضی، مربوط به کتابخانهٔ رضا در رامپور هند است که میکروفیلم آن در کتابخانهٔ سید عبدالعزیز طباطبایی در قم موجود

۱. ناهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعهٔ تاریخ تشیع، ص۱۷۳». نسخهٔ موجود ۱۱۹۰ در کتابخانهٔ رضا مشتمل بر کتاب خصائص الأئمة نیز هست.

۲. الفهرست (رازی)، ص ۹۱، ش ۳۰۶.

۳. «صفحة مشرقة عن تاریخ السماع و القرائة و الاجازة عند الامامیة (نسخة نهج‌البلاغة بروایة السید الراوندی أنموذجا)»، ص۱۳۴.

۴. «اهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعهٔ تاریخ تشیع»، ص۱۷۴.

۵. الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج۱۴، ص۱۴۳.

است. این نسخه را فردی به نام عبدالجبار بن حسین بن أبی‌القاسم حاج فراهانی، ساکن در روستای خومجان،[1] در روز چهارشنبه چهارم شوال ۵۵۳ هجری کتابت کرده است.[2] فراهانی نسخه را نزد سید ابوالرضا راوندی خوانده و ابوالرضا در صفحهٔ عنوان نسخه، اجازهٔ روایت آن را به او داده است. سید ابوالرضا در این نسخه بیان می‌کند که او این کتاب را از شیخ خود أبوالفتح اسماعیل بن فضل بن احمد بن أخشید سراج از ابومظفر عبدالله بن شبیب از ابوالفضل خزاعی از سید رضی روایت کرده است.[3]

۴. تلخیص البیان فی مجاز القرآن

دو نسخهٔ خطی از کتاب تلخیص البیان فی مجاز القرآن سید رضی مربوط به قرن ششم در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است که نسخهٔ اول به شمارهٔ ۱۰۳۴ کاستی‌هایی دارد، ولی نسخهٔ دوم به شمارهٔ ۵۴۷۰ کامل است. کاتب نسخهٔ دوم، محمد بن حسن بن محمد حافظ رهقی است که آن را در روز جمعه عصر در شهرآبه[4] در تاریخ ۲۹ رجب سال ۵۴۷ هجری کتابت کرده است. در حاشیهٔ برگهٔ آخر این نسخه آمده است:

> من این نسخه را با نسخهٔ اصلی که از آنِ سید ابوالرضا راوندی بوده در شهر (اندوز = کاشان) در آخر جمادی الثانی سال ۵۶۴ هجری مقابله کرده‌ام.[5]

۵. رسالهٔ اهوازیه

از دیگر آثار کتابت‌شده نزد سید ابوالرضا راوندی، رسالهٔ اهوازیه است که در روز چهاردهم محرم سال ۵۵۴ هجری در مسجد جامع کاشان توسط همان خومجانی کتابت شده است.[6]

۶. کتاب من لایحضر الفقیه و أمالی صدوق

با استفاده از اطلاعات نسخ خطی این گونه به دست می‌آید که سید ابوالرضا به عنوان پرچمدار انتقال میراث حدیثی شیعه در قرن ششم در کاشان، اجازهٔ نقل برخی آثار شیخ صدوق را نیز به شاگردان خود داده است؛ برای نمونه سید محمد بن حسن علوی کاشانی از

---

۱. خومجان، دهی است از شهرستان فراهان در استان مرکزی.

۲. «اهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعهٔ تاریخ تشیع»، ص ۱۶۰.

۳. خصائص الأئمة، ص۱۵.

۴. شهری کوچک نزدیک ساوه که بین عامه به «آوه» معروف است و اهل آن شیعه هستند؛ در مقابل ساوه که سنی مذهب‌اند و پیوسته بین این دو شهر نزاع مذهبی وجود داشته است (معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۰).

۵. «المتبقی من مخطوطات نهج البلاغة حتی نهایة القرن الثامن»، ص۴۷.

۶. «اهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعهٔ تاریخ تشیع»، ص۱۷۵.

راویان کاشانی است که سید ابوالرضا نسخه‌ای از کتاب من لا یحضره الفقیه را به او اجازه داده است. آیة الله مرعشی این اجازه را بر پشت نسخهٔ خطی این کتاب دیده است.[1] همچنین با استفاده از اطلاعاتِ نسخه‌ای از الامالی صدوق، این نکته به دست می‌آید که سید ابوالرضا راوندی با سه واسطه از شیخ صدوق نیز روایت کرده است. توضیح، آن‌که بر پشت نسخه‌ای از الأمالی صدوق، آمده است:

> ابوالرضا فضل الله بن علی حسنی راوندی می‌گوید خبر داد به من به این کتاب، شیخ فقیه علی بن عبدالصمد تمیمی به اجازه‌ای که در ربیع الثانی سال ۵۲۹ هجری از نیشابور برای من نوشته و همچنین به دو فرزندم احمد و علی اجازه داده است. وی در آن اجازه اظهار داشته است: خبر داد به من پدرم ابوالحسن علی بن عبد الصمد[2] از ابوالبرکات علی بن حسین خوزی از املاکننده‌اش (شیخ صدوق).[3]

این فرهنگ استنساخ بعد از سید ابوالرضا راوندی نیز همچنان باقی ماند؛ به طوری که علی بن ابراهیم بن حسن بن موسی فراهانی ساکن کاشان نسخه‌ای از الانتصار سید مرتضی را کتابت‌کرده که در کتابخانهٔ آیة الله مرعشی به شمارهٔ ۳۵۹۸ موجود است. او این نسخه را در روز سه شنبه ۲۵ ماه ذی‌القعده سال ۵۹۱ هجری در منزلش در «باب ولّان» استنساخ کرده است. نسخهٔ اخیر بعدها در تملّک منصور بن علی بن محمد بن الحسن الطوسی به تاریخ ۷۶۲ هجری بوده است.[4]

گرچه این نسخه بعد از وفات سید ابوالرضا در کاشان استنساخ شده، ولی به نظر می‌رسد با توجه به شواهد قبلی، فرزندان سید ابوالرضا این مسئولیت خطیر تصحیح نسخ خطی را بعد از او دنبال کردند و به احتمال قوی این کتاب نیز از رهگذر سفر سید ابوالرضا به بغداد باشد. در تأیید این مطلب می‌توان گفت که بنا بر اطلاعات شجره‌نامه‌های قدیمی، از اقدامات عزالدین علی فرزند سید ابوالرضا، ساخت مدرسه‌ای بزرگ در شهر دارالمؤمنین کاشان کنار آرامگاه پدرش (غیر از مدرسهٔ مجدیه) است.[5]

---

۱. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. الشیخ ابوالحسن علی بن عبد الصمد بن محمد النیسابوری التمیمی پدر علی بن عبدالصمد است که نام پدر و پسر هر دو علی است (ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۱۱).

۳. همان، ج ۴، ص ۳۷۱ ـ ۳۷۲.

۴. تشیع: تاریخ و فرهنگ، پاورقی ص ۱۸۳.

۵. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۲۴۴.

با این توصیفات و شواهد اطمینان می‌یابیم که کاشان در آن سال‌ها محل تجمع عالمان بزرگی بوده و بسیاری از میراث حدیثی شیعه در آن روزگاران در کاشان کتابت شده و سید ابوالرضا راوندی با در اختیارداشتن نسخه‌های اصیل بزرگان شیعه و وسعتِ اطلاعات حدیثی، یکه‌تاز این میدان بوده است.

ب) انتقال میراث حدیثی توسط سید ابوالرضا راوندی به متأخرین

میراث انتقالی سید ابوالرضا راوندی از بغداد به کاشان در ادامه به سیر حوزه‌های حدیثی همچون حله منتقل شد؛ به عنوان نمونه شرح نهج البلاغهٔ سید ابوالرضا تا قرن هشتم نیز موجود بوده و ابن‌عتائقی حلی(متوفای بعد از ۷۸۸ هجری) در شرح خود بر نهج البلاغه از آن استفاده کرده است.[۱]

نمونه دیگر، کتاب أدعیة السر[۲] است که دارای اسناد متعددی است و در دو سند آن سید ابوالرضا راوندی نقش اصلی دارد.[۳]

نمونهٔ دیگر از ادعیه‌ای که سید ابوالرضا راوندی در انتقال آن نقش منحصر به فردی داشته، مجموعه روایاتی از امام رضا علیه‌السلام موسوم به أدعیة الوسائل الی المسائل است[۴] که در سند آن این گونه آمده است:

> سید ابوالرضا راوندی گفت که خبر داد مرا سید مرتضی بن داعی حسنی در شهر ری، از جعفر بن محمد دوریستی، از پدرش، از شیخ صدوق که گفت: حدیث کرد مرا عبدالله بن رواحة بن مسعود، از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی، از پدرش که خادم و ملازم امام رضا علیه‌السلام بود، این گونه روایت می‌کند ...[۵]

از سوی دیگر، علامه مرعشی، عزالدین علی فرزند سید ابوالرضا راوندی را صاحب رساله‌ای با عنوان، الرسائل الی المسائل از امام رضا علیه‌السلام می‌داند که از مکتوبات قرن ششم در

---

۱. الذریعة إلی تصانیف الشیعة، ج۱۴، ص۱۴۳.

۲. این کتاب در بردارندهٔ سی و سه دعا و حدیث قدسی است که در شب معراج بر رسول خدا وارد شده و هر کدام برای اهداف خاصی است. أدعیة السر، چاپ در مجموعهٔ میراث حدیث شیعه به کوشش مهدی مهریزی، دفتر چهارم، ص۱۹۵ ـ ۱۹۶.

۳. بحار الأنوار، ج۹۲، ص۳۲۴ ـ ۳۲۵؛ الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة، ص۳۵۸.

۴. این ادعیه شامل ده مناجات استخاره، طلب عفو، سفر، طلب رزق، استعاذه، طلب توبه، طلب حج، طلب رفع ظلم ظالم، شکر خداوند و طلب حوائج است.

۵. کنوز النجاح، ص۴۰ ـ ۴۱.

۲۶ صفحه و نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ نصیری امینی موجود است. بنا بر نقل علامه مرعشی، این رساله مشتمل بر دعاء السر، ظاهراً متفاوت با کتاب سید ابوالرضا در این موضوع، است.[۱] گرچه در نگاه اول، به خاطر تشابه عنوان شاید تصور شود که این کتاب همان أدعیة الوسائل الی المسائل سید ابوالرضا راوندی است که به نقل از فرزند وی ذکر شده، اما با بررسی متن أدعیة الوسائل ـ که در کتاب کنوز النجاح[۲] طبرسی صاحب مشکاة الأنوار ذکرشده ـ مشخص می‌گردد که این متن با متن أدعیة السر کاملاً متفاوت است و گرچه هر دو دعا از جمله احادیث قدسی هستند و در برخی عناوین مشترک هستند، ولی محتوای آن‌ها با هم کاملاً متفاوت‌اند.

نمونه دیگر، کتاب الأربعین فی الأحادیث سید ابوالرضا راوندی است که ابن‌طاووس حلی در کتاب الیقین خود نام آن را سنة الأربعین فی سنة الأربعین بیان کرده است. او همچنین به این کتاب دسترسی داشته و دو مورد از آن نقل کرده است.[۳] علامه مرعشی عنوان کتاب را سنة الأربعین فی شرح الأربعین حدیثاًذکرکرده و آن را در شمول مسائل علمی کم‌نظیر می‌داند.[۴]

نمونهٔ دیگر، دعای جوشن صغیر[۵] است که گرچه دارای اسنادی متعدد است، لیکن طبرسی در کنوز النجاح اولین سند آن را این گونه ذکر می‌کند:

> سید ابوالرضا راوندی می‌گوید: به من خبر داد سید ابوتراب حسنی از ابوعبدالله جعفر بن محمد دوریستی، از ابوعبدالله الدؤلی، از هارون بن موسی تلعکبری که گفت: حدیث کرد مرا ابوالعباس بن علی بن ابراهیم، از عمارة بن زید عقیلی، از عبدالله بن علاء از امام صادق علیه‌السلام از اجداد طاهرینش از امام علی علیه‌السلام که خطاب به فرزندش امام حسین علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: ...[۶]

نمونهٔ دیگر، کتاب خبر مولانا القائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از مکتوبات سید ابوالرضا راوندی و متعلق به

۱. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص۲۴۴.
۲. کنوز النجاح، ص۴۰ - ۵۰.
۳. الیقین باختصاص مولانا علی علیه‌السلام بامرة المؤمنین، ص۴۶۷ و ۵۱۱.
۴. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص۲۶۶.
۵. کنوز النجاح، ص۵۱. این دعا سرّی از اسرار خداوند است که به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله تعلیم داده‌شده و مختص دادرسی به مظلومان است که به جوشن معروف شده است. این دعا به جهت امان از آفات و عقوبات دنیوی و بهره‌وری از نعمت‌های اخروی است که تعلیم آن تنها به اهل آن جایز و بر مشرکان حرام است؛ زیرا کسی با این دعا خدا را نمی‌خواند، مگر این‌که حاجت او برآورده خواهد شد. روایات مشهوری در اهمیت این دعا و سرعت اجابت آن ذکر شده است.
۶. همان.

قرن ششم که نسخه‌ای از آن در ده صفحه در کتابخانهٔ میرزا فخرالدین نصیری امینی موجود است.[1] ابن‌طاووس، حدیثی طولانی درباره تعداد یاران امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف و تعیین جایگاه ایشان، از کتاب یعقوب بن نعیم بن قرقارة،[2] از نسخه‌ای ارزشمند و قدیمی ذکر می‌کند که بر روی آن نسخه، خط سید فضل الله راوندی بوده است.[3]

نمونهٔ دیگر، کتاب قنوت موالینا الائمّة المعصومین سید ابوالرضا راوندی از مکتوبات قرن ششم که نسخه‌ای از آن در چهل صفحه در کتابخانهٔ میرزا فخرالدین نصیری امینی موجود است.[4] به نظر می‌رسد که محتوای این کتاب، همان قنوتاتی باشد که سید بن طاووس در مهج الدعوات از اصلی که آن را یافته، نقل می‌کند.[5]

نمونهٔ دیگر، مناجات إلهیات است که راوی اصلی این مناجات، سید ابوالرضا راوندی است. این مناجات توسط خواجه عبدالحق سبزواری در قرن دهم به پارسی برگردانده شده است. همو این مناجات را به الهیات نام‌گذاری کرده؛ در حالی که در بحار الأنوار[6] و المصباح کفعمی[7] از آن با عنوان «مناجات أمیرالمؤمنین» یاد شده است. گویا مناسبت این نام‌گذاری، تکرار واژهٔ «إلهی» در بندهای این مناجات است.

در منابع روایی قطعه‌هایی از این مناجات آمده است؛ به عنوان نمونه در صحیفهٔ سجادیه دعای پنجاه و سوم قسمتی از این مناجات،[8] و در المزار شهید اول بخشی از این مناجات به نقل از میثم تمار از أمیرالمؤمنین علیه السلام ذکر شده است.[9] همچنین این مناجات را به صورت کامل، کفعمی یک بار در البلد الامین[10] بعد از زیارات و بار دیگر در المصباح[11] و مجلسی در

---

۱. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۲۶۶.

۲. یعقوب بن نعیم بن قرقارة الکاتب أبویوسف از اصحاب جلیل القدر شیعه که در حدیث کاملاً مورد اعتماد است. از امام رضا علیه السلام روایت دارد و کتابی در باب امانت نگاشته است (رجال النجاشی، ص ۴۴۹).

۳. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۳۷۵.

۴. موسوعة العلامة المرعشی، ج ۱، ص ۲۶۶.

۵. مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۴۶.

۶. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۹.

۷. المصباح، ص ۳۶۸.

۸. الصحیفة السجادیة، دعای ۵۳، ص ۲۵۸. عبارت مدنظر این چنین است: وَ ارْحَمْنِی إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیا أَثَرِی، وَ امَّحَی مِنَ الْمَخْلُوقِینَ ذِکرِی، وَ کنْتُ مِنَ الْمَنْسِیینَ کمَنْ قَدْ نُسِی.

۹. المزار، ص ۲۷۱.

۱۰. البلد الأمین و الدرع الحصین، ص ۳۱۱.

۱۱. المصباح، ص ۳۶۸.

بحار الأنوار به عنوان «مناجاة أميرالمؤمنين مروية عن العسكری علیه السلام»[1] ذکر کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در سده‌های پنجم و ششم، تشیع در کاشان نهادینه شد. الفهرست منتجب‌الدین و برخی دیگر از منابع این دوره، محدثان کاشانی‌الأصل و ساکن کاشان را در این دوره معرفی می‌کنند. شرح حال راویان و محدثان این دوره، بیان‌گر آن است که دو جریان مهم در این دوره در کاشان وجود داشته است: اول، جریان حدیثی- ادبی و دوم، جریان فقه‌محور که باعث مهاجرت فقیهان و عالمان شایستهٔ امر قضاوت به این شهر شد.

قطب‌الدین راوندی در انتقال آثار فقهی علمایی همچون شیخ طوسی به کاشان و ایران نقش موثری داشته است؛ آن گونه که از اجازات حدیثی قابل برداشت است، قدیمی‌ترین نسخهٔ الاستبصار شیخ طوسی با اجازهٔ قطب‌الدین راوندی موجود است. جایگاه فقهی قطب راوندی آن‌قدر والاست که علاوه بر نقل منقولات وی در کتب متأخرین، نظریات فقهی او در برخی موارد بر نظریات فقهای برجسته ترجیح داده شده است.

سید ابوالرضا راوندی عالمی جامع‌الأطراف بوده که بررسی ویژگی‌های شخصیت او، بیان‌گر نقش منحصر به فردش در رونق حوزهٔ امامیه کاشان در قرن ششم است. سید ابوالرضا با انتقال میراث حدیثی بغداد به کاشان و ریاست مدرسهٔ مجدیه در کاشان، مسبّب حضور و رفت و آمد عالمانی بزرگ از سیر مراکز حدیثی، برای اقامت و تصحیح کتب حدیثی شیعه گردید. این میراث حدیثی در ادامه به نقاط متعدد، از جمله حله منتقل گردید.

کتابنامه

- أدعیة السر، ضیاءالدین أبوالرضا حسنی راوندی، تحقیق: سعیدرضا علی‌عسکری، چاپ در مجموعهٔ میراث حدیث شیعه، به کوشش: مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰، دفتر چهارم.
- الأربعون حدیثا، علی بن عبیدالله (منتجب‌الدین)، قم: مؤسسة الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
- أعیان الشیعة، سید محسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- الإقبال بالأعمال الحسنة، علی بن موسی (ابن‌طاووس)، تحقیق: جواد قیومی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۹.

- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمةالأطهار، محمد باقربن محمد تقی مجلسی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- بغیةالطلب فی تاریخ حلب، عمربن احمد (ابن‌عدیم)، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
- البلدالأمین و الدرع‌الحصین، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- البیان، محمد بن مکی عاملی(شهید اول)، تحقیق: محمد الحسون، قم: انتشارات محمد الحسون، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- تاج‌العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی حسینی زبیدی، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- تاریخ إصبهان (ذکر أخبار إصبهان)، احمد بن عبدالله (ابونعیم)، تحقیق: حسن سید کسروی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
- تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، ترجمه: علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تحقیق: محمدرضا انصاری، قم: کتابخانهٔ آیة الله مرعشی، گنجینهٔ مخطوطات اسلامی، ۱۳۸۵ش.
- تاریخ‌الوزراء، نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، به کوشش: محمدتقی دانش پژوه، تهران: مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، علی بن موسی(ابن‌طاووس)، قم: مؤسسهٔ صاحب‌الأمر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- تشیع: تاریخ و فرهنگ، محمد کاظم رحمتی، قم: انتشارات مورخ، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- تهذیب‌الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خرسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الجواهر السنیة فی الأحادیث‌القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، محمد بن حسن حر عاملی، ترجمه: زین‌العابدین کاظمی، تهران: انتشارات دهقان، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش.
- خصائص‌الأئمة، محمد بن حسین سید رضی، تصحیح محمد هادی امینی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- دیوان، ضیاءالدین أبوالرضا حسنی راوندی، تحقیق: سید جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: مطبعة مجلس، چاپ اول، ۱۳۳۴ش.

- الذریعة إلی تصانیف الشیعة، محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، بیروت: دار الأضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
- ذکری الشیعة فی أحکام الشریعة، محمد بن مکی عاملی(شهید اول)، قم: مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- راحةالصدور و آیةالسرور، محمد بن علی بن سلیمان راوندی، تصحیح: محمد اقبال، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.
- الرجال، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشرالاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق.
- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله بن عیسی‌بیگ افندی، تحقیق: احمدحسینی اشکوری، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
- السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمد بن منصور ابن‌ادریس حلّی، قم: دفترانتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- شرح زندگی و شهادت حضرت سلطانعلی بن امام محمد باقر علیه‌السلام، عبدالرسول مدنی کاشانی، کاشان: مرسل، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵ش.
- الصحیفة السجادیة، علی بن الحسین(زین العابدین)، قم: دفترنشرالهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶، دعای ۵۳.
- غایةالمراد فی شرح نکت الإرشاد، محمد بن مکی عاملی(شهید اول)، تحقیق: رضا مختاری، قم: دفترتبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- الفهرست، علی بن عبیدالله (منتجب‌الدین)، تحقیق: جلال‌الدین محدث، قم: کتابخانهٔ آیة الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
- کاشان در مسیر تشیع، مصطفی صادقی، قم: انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبرغفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم،۱۴۰۷ق.
- کشف‌الرموز فی شرح مختصر النافع، حسن بن ابی‌طالب یوسفی، فاضل آبی، تحقیق: علی‌پناه اشتهاردی ـ آقا حسین یزدی، قم: دفترانتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
- کنوزالنجاح، علی بن حسن طبرسی، تحقیق: غانم مَنسی طُعمة، کربلاء: العتبة الحسینیة المقدسة، چاپ اول، ۱۴۳۹ق.

- المحاسن، احمد بن محمد برقی، تصحیح: جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- مختلف‌الشیعة فی أحکام‌الشریعة، حسن بن یوسف حلی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- المزار، محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، تحقیق: محمدباقر موحد ابطحی، قم: مدرسهٔ امام مهدی علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسهٔ آل البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- المصباح، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، قم: دار الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
- المعتبر فی شرح المختصر، نجم‌الدین جعفر بن حسن محقق حلّی، قم: مؤسسهٔ سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵م.
- مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پای‌گیری مکتب حله، احمد پاکتچی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- مناقب آل أبی طالب، محمد بن علی (ابن‌شهرآشوب)، قم: انتشارات علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
- موسوعة العلامة المرعشی، شهاب الدین مرعشی، به اهتمام: محمد اسفندیاری و حسین تقی‌زاده، قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- مهج‌الدعوات و منهج‌العبادات، علی بن موسی (ابن‌طاووس)، قم: دار الذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- نقض، عبدالجلیل قزوینی رازی، تحقیق: سید جلال‌الدین محدث أرموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش.
- الیقین باختصاص مولانا علی بإمرة المؤمنین، علی بن موسی (ابن‌طاووس)، تحقیق: اسماعیل أنصاری زنجانی، قم: دارالکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- «اهمیت نسخه‌های خطی برای مطالعهٔ تاریخ تشیع»، محمدکاظم رحمتی، مجلهٔ میراث شهاب، تابستان و پاییز ۱۳۹۵، شمارهٔ ۸۴ و ۸۵.
- «صفحة مشرقة عن تاریخ السماع و القرائة و الاجازة عند الامامیة (نسخة نهج‌البلاغة بروایة

السید الراوندی أنموذجا»»، سیدحسن موسوی بروجردی، مجلـهٔ تراثنـا، محرم الحرام و جمادی آلاخر ۱۴۳۳ق، شمارهٔ ۱۰۹و۱۱۰.

- «فی رحاب نهج‌البلاغه(۵)؛ نهج‌البلاغه عبرالقرون»، سید عبدالعزیزطباطبایی، مجلـهٔ تراثنا، سال نهم، ربیع الثانی و رمضان ۱۴۱۴ق، شمارهٔ ۳۵و۳۶.
- «المتبقـی مـن مخطوطـات نهـج‌البلاغـة حتـی نهایـة القـرن الثـامن»، سـید عبـدالعزیز طباطبایی، مجلهٔ تراثنا، ویژه نامهٔ شریف رضی، سال اول، شوال و ذی‌القعده و ذی الحجه ۱۴۰۶ق، شمارهٔ ۵.
- «نهج‌البلاغه عبرالقرون(۷)، شروحه حسب التسلسل الزمنی؛ منهاج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغة»، سید عبدالعزیزطباطبایی، مجلهٔ تراثنـا، سال دهم، محرم و جمادی الآخر ۱۴۱۵ق، شمارهٔ ۳۸ و۳۹